

" امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید "

اخبار عالم بهائی

فبرایر ۲۰۱۱ سال دوم شماره ۵

شهرالسلطان ۱۶۷ بدیع

حضرت بهاءالله درباره نظم جهانی بهائی میفرمایند قوله العزیز:

"قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم واختلف الترتیب بهذا البدیع الذی
ما شهدت عین الابداع شبهه "

وایضا " میفرمایند قوله الکریم:

" بگوای اهل بهاء در سبیل نفوسی که اقوال و اعمالشان مخالف یکدیگر
است سالک نشوید همت گمارید تا آیات حق بر اهل ارض مکشوف و احکام
و اوامرش واضح و معلوم گردد باعمال سبب هدایت من فی الامکان گردید چه که
اقوال اکثر ناس از وضع و شریف با افعالشان مغایر و مباین است ، کردار نیک
است که مستظلمین در ظل سدره رحمانیه را از مادون ممتاز و گیتی را بروشنی
خویش روشن و منور سازد طوبی از برای نفسی که نصایح قلم اعلی را بسمع
قبول اصغاء نمود و بآنچه از سماء اراده خداوند علیم و حکیم نازل گشته تمسک
جست "

ظهور عدل الهی " ص ۵۴

حضرت عبدالبهاء در این مقام میفرمایند قوله الشریف:

" ای حزب الهی بعون و عنایت جمال مبارک روحی لاحبانه الفداء باید روش
و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سایر نفوس ممتاز شوید هر نفسی از شما در هر
شهری که وارد گردد بخلق و خوی و صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی
بعموم عالم انسانی مشار بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین
است که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این
شخص از خصائص بهائیان است تاباین مقام نیاید بعهد و پیمان الهی وفا ننموده
اید "

ظهور عدل الهی " ص ۵۵

ضرورت توان مند سازی در ریشه کن کردن فقر

سر ویس خبری جامعه بهائی در گزارش میسوطی تحت عنوان " ضرورت توان مند سازی در ریشه کن کردن فقر " که در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۸۹ در سایت خبری خود منتشر نموده است مینویسد:

سازمان ملل - در اقدامات مربوط به مسئله فقر، باید به تقویت توان مندی های اخلاقی و معنوی افراد و جوامع توجه کرد.

این یکی از پیام هایی بود که توسط جامعه جهانی بهائی و دیگر سازمان های غیردولتی در کمیسیون امسال ملل متحد برای توسعه اجتماعی مطرح شد.



می اکیل، از نمایندگان جامعه جهانی بهائی، طی بیانیه ای شفاهی خطاب به کمیسیون در دوشنبه ۲۵ بهمن (۱۴ فوریه) گفت: «تلاش های مربوط به ریشه کنی فقر را باید از منظر رفاه انسانی، به معنای واقعی کلمه، یعنی انسجامی پویا میان وجوه مادی و روحانی زندگی انسانی، هدایت کرد.»

خانم اکیل گفت: «فقر آن طور که اغلب عنوان شده، صرفاً نبود منابع مادی نیست، بلکه نبود منابع اخلاقی و اجتماعی را نیز شامل می شود، منابعی که محیطی را برای افراد به وجود آورد تا بتوانند از طریق نهادها و گروه های اجتماعی، تا بیشترین حد ظرفیت خود رشد کنند.»

تأکید چنین تلاش هایی باید بر این باشد که به افراد کمک کند «توان مندی های شان را پرورش دهند تا مسؤول توسعه خود شوند.»

می اکیل، از نمایندگان جامعه جهانی بهائی، در حال آماده شدن برای ارائه بیانیه ای شفاهی خطاب به کمیسیون ملل متحد برای توسعه اجتماعی در دوشنبه ۲۵ بهمن (۱۴ فوریه). خانم اکیل گفت: «تلاش های مربوط به ریشه کنی فقر را باید با نگرشی از رفاه انسانی، به معنای واقعی کلمه، یعنی انسجامی پویا میان وجوه مادی و روحانی زندگی انسانی، هدایت کرد.»

او گفت جایی که نسل آینده مطرح است، این مسئله اهمیت ویژه دارد. «در مسیر توسعه این توان مندی ها، باید به عوامل تأثیر گذار بر قلب و ذهن کودکان و جوانان توجه ویژه داشت.»

«مهم است میزان تأثیری که انتخاب های خانواده ها و جوامع بر ذهن جوانان می گذارد، درک شود. انتخاب هایی که از کنار هنجارهای اخلاقی ناکارآمد مثل عشق به قدرت، جاه

طلبی، ستایش خشونت و تمرکز بر منافع شخصی، با اغماض می گذرند، هر قدر هم غیر عمدی باشند، تأثیر عمیقی بر اذهان جوانان دارند.»

«ساختن جوامع سرزنده»

جامعه جهانی بهائی، به عنوان یکی از رویدادهای حاشیه ای کمیسیون، در دفتر خود جلسه ای با عنوان «ساختن جوامع سرزنده: تقویت ظرفیت برای عدالت، برابری و اقدام های جمعی» برگزار کرد.

این رویداد در ۲۱ بهمن (۱۰ فوریه) به شکل یک «کافه جهانی» باز برگزار شد و حدود ۳۰ نماینده از سازمان های غیر دولتی در یک گفتگوی غیررسمی شرکت کردند. این برنامه با حمایت مشترک جنبش بین المللی جهان چهارم ای تی دی (International Movement ATD) و کمیسیون هوآیرو (Huairou)، که به زنان محروم در سازمان دهی حرکت هائی در جهت تغییر کمک می کند، تشکیل شد.

محور گفتگوها شناسایی نیازهای رسیدن به جوامعی با سلامت اقتصادی و اجتماعی بود.



کریستینا دی یز، نماینده ای تی دی جهان چهارم در سازمان ملل، گفت: «فقر مفرط نقض حقوق بشر است.» وی افزود محروم ترین و به حاشیه رانده شده ترین اعضای جامعه «ما را برای تعریف

متفاوتی از جهان به چالش می کشند.»

یک «کافه جهانی» که دفاتر جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل در ۲۱ بهمن (۱۰ فوریه)، به عنوان یکی از رویدادهای فرعی کمیسیون ملل متحد برای توسعه اجتماعی برگزار کردند. شرکت کنندگان درباره ویژگی های جامعه سالم گفتگو کردند.

او گفت برای اطمینان از این که همه اعضای جامعه می توانند در تصمیماتی که بر کل گروه تأثیر دارد مشارکت

داشته باشند عدالت، برابری و اقدام جمعی ضرورت دارد.

شانون هایز، از کمیسیون هوآیرو، از کار روی پیامدهای ایندز در جوامع صحبت کرد. او گفت شفافیت، مدارا، پذیرش، تواندهی و فرایندهای دموکراتیک بعضی از ویژگی هایی ست که لازم است در کار ساختن جامعه وارد شود.

ارین مرفی گراهام، از استادیاران آموزش بین المللی در دانشگاه نیویورک و معتقد به آئین بهائی، سعی کرد به سؤال «جامعه چیست؟» پاسخ دهد. او گفت درستکاری، مشارکت مدنی و دغدغه دیگران را داشتن شاخصه های ضروری جامعه هستند.

پس از نطق سخنرانان، گروه های کوچک تری از شرکت کنندگان تشکیل شد تا درباره ویژگی های یک جامعه سالم صحبت کنند. بسیاری نتیجه گرفتند که ارزش های عدالت،

برابری و یگانگی باید در گفتگوهای مربوط به ساختن جوامعی که از نظر روحانی و مادی در رفاه باشند، وارد شود.

آنها به این نتیجه رسیدند که آموزش و تواندهی، به ویژه در مورد زنان و جوانان، کمک خواهد کرد که مهارت ها و اعتماد به نفس لازم برای اعضای جامعه در جهت به رسمیت شناختن و مطالبه حقوق خود کسب شود.

کمیسیون ملل متحد برای توسعه اجتماعی سالانه برای بررسی مسائل مربوط به فقر، همبستگی اجتماعی و اشتغال تشکیل جلسه می دهد. نشست امسال در ۲۰ بهمن (۹ فوریه) آغاز شد و جمعه، ۲۹ بهمن (۱۸ فوریه)، پایان می یابد.

نگرانی شدید در مورد امنیت مدیران بهائی زندانی در ایران



سرویس خبری جامعه
بهائی درسایت خبری
مورخ ۲۶ بهمن ۱۳۸۹
دراینباره چنین گزارش
میدهند:

هفت مدیر زندانی
بهائی به بندهای
خطرناکتر زندان محل
نگهداری شان منتقل شده اند.

در مورد دو زندانی زن، شرایط جا به جا کردن آنها این نگرانی را به وجود آورده که شاید این تغییر به این منظور بوده که فضائی ناامن و تهدید کننده برای سلامت آنها ایجاد شود.

جامعه جهانی بهائی اطلاع یافته که تا کنون یکی از این خانم ها، فریبا کمال آبادی، از زمانی که به بند معروف «۲۰۰» در زندان گوهردشت فرستاده شده، مورد تهدید بدنی زندانیان دیگر قرار گرفته است.

بانی دوگال، نماینده ارشد جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل، گفت: «ظاهراً فضای این بند به شدت ملتهب است و تنش و دشمنی زیادی بین زندانیان وجود دارد.»

خانم کمال آبادی، همراه مهوش ثابت، روز شنبه به بند ۲۰۰ منتقل شد.

خانم دوگال گفت: «مشکل بتوان درباره دلیل این انتقال مطمئن شد. با این حال ما معتقدیم که زنان بهائی از زمانی که به گوهردشت رسیده اند، علیرغم شرایط بسیار دشوار زندگی خودشان، توانسته اند برای همبندان خود منبع آسایش و امید شوند. ظاهراً مسئولان زندان

با دیدن نشانه‌هایی از احترام به آنان در زندانیان دیگر نگران شده اند و از اتهام 'تبلیغ' آنان بهائی در زندان به عنوان دلیل افزایش فشارها بر آنها استفاده کرده‌اند.»

خانم دوگال افزود که این دو زن در دوران زندان، با روح خدمت به دیگران رفتار کرده اند. برای مثال آنها در زمستان ۱۳۸۷ (اوایل ۲۰۰۹) با روزنامه نگار ایرانی-ژاپنی-آمریکایی، رکسانا صابری، در زندان اوین هم بند بودند که بعداً نوشت آنها به او در عبور از سختی‌های آن دوران کمک کردند.

هفته پیش، با اعلانی عمومی به همه زندانیان گفته شد نباید هیچ ارتباطی با دو زن بهائی داشته باشند. با این حال هم زندانی‌ها، بدون توجه به این اعلان، به ارتباط با آنها ادامه دادند.

خانم دوگال گفت: «پس از انتقال این خانم‌ها، تعدادی از زندانیان، با وجود ممانعت نگهبانان، به طبقه پایین رفتند تا آن دو را در محل جدید ملاقات کنند.»

به گفته خانم دوگال، به خانم‌ها کمال آبادی و ثابت - پیش از انتقال - گفته شده بود که به زندانیان بند ۲۰۰ درباره آن دو «هشدار» داده شده است.

او گفت: «ما به شدت نگرانیم که این انتقال به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد محیطی ناامن که جان یا آسایش جسمی این دو زن بی‌گناه را تهدید کند، طراحی شده باشد.»

شرایط دشوار و غیربهداشتی

هفت رهبر بهائی در مرداد ۱۳۸۹ به زندان گوهردشت، حدود ۵۰ کیلومتری غرب تهران، فرستاده شدند. آنها پس از آن که مدت ۲۰ ماه بدون اتهام در بازداشت نگه داشته شدند، به اتهاماتی از جمله جاسوسی و تأسیس تشکیلات غیرقانونی متهم، محاکمه و به ۱۰ سال زندان محکوم شدند. همه اتهامات تکذیب شد.

در حالی که زندان گوهردشت به خاطر شرایط ناگوار و غیربهداشتی اش معروف است، زندانیان بهائی در آغاز از بعضی عناصر خشونت بارتر مجموعه دور نگه داشته می شدند. آنها همچنین نسبتاً مرتب به فضاهای ورزشی بیرون دسترسی داشتند.

اما در چند هفته گذشته، هر هفت نفر از محلی که ابتدا داشتند، به بندهایی که شرایط بسیار بدتری دارند منتقل شده اند.

پنج مرد سه هفته پیش به بخش معروف به بند ۴، بخش قرنطینه‌ای که برای زندانیان سیاسی کنار گذاشته شده، منتقل شدند. این بخش زندانیان بیشتری دارد و بنا به گزارش‌ها تحت مراقبت شدید است. این مردان اکنون از محرومیت‌های شدید جسمی رنج می‌برند.

خانم دوگال گفت: «سه نفر از آنها در یک سلول هستند و دو نفر دیگر در سلولی دیگر. در هر سلول دو تخت هست، بنابراین یکی از آنها باید روی زمین بخوابد.»

خانم دوگال گفت: «زندانیان این بخش از زندان فقط در زمان های مقرر می توانند برای استفاده از هوای تازه بیرون بروند، در حالی که پیشتر هر وقت می خواستند می توانستند چنین کنند.»

درخواست از دولت ها

خانم دوگال گفت: «ما در نامه سرگشاده خود به تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۸۹ به رئیس قوه قضائیه ایران تأکید کردیم که چنین محیط خشن و توهین آمیزی سزاوار حتی خطرناک ترین مجرمان هم نیست.»

«ما بار دیگر به دولت ایران می گوئیم، آیا در نظر آنها تحمیل چنین شرایطی بر شهروندان بی گناه با رحمت و عدالت اسلامی توافق دارد؟»

خانم دوگال گفت: «ما همچنان دولت ها و انسان های خیرخواه را در سراسر دنیا فرا می خوانیم تا به هر طریقی که می توانند دولت ایران را متوجه کنند که اقدامات اش زیر نظر است و مسئول امنیت این هفت نفر و بیش از ۵۰ بهائی دیگر است که در ایران زندانی شده اند.»

جزئیات بیشتر

این هفت نفر - بهروز توکلی، وحید تیزفهم، مهوش ثابت، جمال الدین خانجانی، سعید رضائی، فریبا کمال آبادی و عقیف نعیمی - پیش از دستگیری شان در ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، اعضای یک گروه ملی بودند که در رسیدگی به حداقل نیازهای جامعه ۳۰۰ هزار نفری بهائیان ایران کمک می کرد.

گزارش های محاکمه و صدور حکم برای این مدیران بهائی، همصدایی جهانی دولت ها - از جمله استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، مجارستان، ایرلند، هلند، زلاند نو، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا - را در محکوم کردن این اقدام برانگیخته است. اتحادیه اروپا و رئیس پارلمان اروپا نیز همراه سازمان های حقوق بشر بسیار، گروه های دیگر و افراد بیشمار به این اعتراض جهانی پیوستند.

در ۳۰ آذر ۱۳۸۹، سازمان ملل قطعنامه ای را به تصویب رساند که «نگرانی عمیقی از نقض جدی، مداوم و مکرر حقوق بشر» در ایران ابراز می داشت. قطعنامه به ویژه تبعیض علیه اقلیت ها، از جمله پیروان آئین بهائی را در ایران محکوم کرد.

حمایت فرهیختگان ایران و سایر نقاط عالم از جامعه مظلوم و شجیع بهائی در ایران

بهائیان؛ فشار در ایران، دادخواهی در آمریکا

سایت خبری بی بی سی در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۸۹ به درج گزارشی تحت عنوان فوق از کامبیز فتاحی بشرح ذیل پرداخت :

سینا ثابت، جوان ایرانی ساکن تگزاس این هفته برای دادخواهی به واشنگتن آمد، دادخواهی برای دختر دانی اش رها ثابت، که حدود سه سال در بازداشتگاهی در شیراز به جرم "تبلیغ غیرمستقیم بهائیت" زندانی بوده است.

آقای ثابت شش سال پیش کشور زادگاهش را ترک کرد، اما خاطرات ۱۵ سال زندگی در ایران به عنوان اقلیت دینی، همچنان در ذهنش نقش بسته است: "در ایران به عنوان بهایی از بچگی می فهمی که در آزار و اذیت بزرگ می شوی و می دانی که حق دانشگاه (رفتن) نداری. در دبیرستان بعضی از دوستانمان به ما می گفتند برای چی اصلا می آیی مدرسسه و می خواهید دیپلم بگیرید وقتی که نمی توانید به دانشگاه بروید."

سینا ثابت که در کالج ریچلند شهر دالاس به تحصیل مشغول است، به همراه سه بهایی دیگر به نام های آزاده روحانی، کمال خانجانی و ایرج کمال آبادی با اعضای کنگره و مقام های وزارت امور خارجه آمریکا دیدار کرد.

این سه نفر، از بستگان نزدیک مدیران سابق جامعه بهایی ایران هستند که در حال حاضر در رجایی شهر کرج زندانی اند.

این افراد اتهام های وارده از جمله "افساد فی الارض"، جاسوسی، اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام را رد می کنند.

ایرج کمال آبادی، برادر فریبا کمال آبادی به شدت نگران شرایط بهداشتی و زیستی بند زندانی است که خواهرش در آن به سر می برد.

او به بی بی سی فارسی می گوید: "دادخواهی و امید ما این است که این اشخاص بیگناه که هیچ گناهی به جز محبت و خدمت به بشریت و هموطنانشان ندارند و خیرخواه هموطنان، دولت و ملت هستند آزاد شوند."

"فرقه ضاله"

اعضای خانواده های این زندانیان در حالی به واشنگتن سفر کردند که طی ماه های اخیر گزارش ها از ادامه فشارها بر هم کیشان آنان در ایران حکایت داشته است.



بر اساس این گزارش ها، مغازه های شماری از بهائیان شهر رفسنجان در پائیز امسال توسط افراد ناشناس به آتش کشیده شد و تعدادی از آنان نیز به تازگی گفته اند طی نامه های تهدید آمیز به آنها هشدار داده شده که از دوستی با اشخاص مسلمان خودداری کنند.

مقام های ایرانی در مکاتبات رسمی خود معمولاً دین

بهایی را "فرقه ضاله" توصیف می کنند. آنها در عین حال، هرگونه برخورد غیرقانونی یا تبعیض علیه بهائیان را رد می کنند.

محمد جواد لاریجانی، رئیس ستاد حقوق بشر قوه قضائیه ایران، اواخر سال گذشته میلادی گفته بود که با بهائیان بر اساس قوانین ناظر بر فرقه های مختلف رفتار می شود و آنها نیز مانند سایر ایرانیان از حقوق شهروندی برخوردارند.

علی افشاری، از چهره های منتقد جمهوری اسلامی در واشنگتن معتقد است که نقض حقوق شهروندی در ایران فقط محدود به بهائیان نیست.

او به بی بی سی فارسی می گوید: "اساسا در جمهوری اسلامی حقوق شهروندی همه افشار اجتماعی نقض می شود. اساسا این حکومت به مفهومی به نام حقوق شهروندی احترام نمی گذارد، الا آن برداشت خاص خودش که با آن برخورد ایدئولوژیک انجام می دهد."

"با نظام کاری نداریم"

طی ماه های گذشته بازداشت، بازجویی و حبس بهائیان در شهرهای مختلف ایران از جمله مشهد و ساری ادامه داشته است.

یکی از این افراد فیض الله روشن از اهالی شهرستان ساری است که پسرش، پدرام روشن از احضار مجدد وی خبر داده است.



پدرام روشن گفت که پدرش پس از یک سال و نیم حبس به جرم تبلیغ علیه نظام، اخیرا بار دیگر به اتهام مشابهی توسط اداره حراست اطلاعات استان مازندران احضار شده است.

فیض الله روشن، در بهار ۱۳۸۶ به جرم "فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی و به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام" به یک سال زندان و چهار سال تبعید محکوم شده بود که حکم تبعیدش در مرحله تجدید نظر به شش ماه حبس تعزیری تبدیل شد.

پدرام روشن می گوید: "در چهار بازجویی که اخیرا از او به عمل آمد، حتی یک مرتبه هم در باره این اتهام صحبتی نشد، تمام صحبت هایی که شد پیرامون دیانت بهائی بوده و این نشان می دهد که این اتهام (تبلیغ علیه نظام) بسیار واهی است."

آقای روشن که می گوید به خاطر خودداری از کتمان عقیده در ایران حق شرکت در امتحان کنکور سراسری را نداشت، حدود نه سال پس از ورود به آمریکا به زودی مدرک دکترا در رشته فیزیک را از دانشگاه پرینستون دریافت خواهد کرد.

پدرام روشن تاکید می کند: "کاری به کار نظام نداشته ایم و نداریم و اینها خودشان هم این موضوع را می دانند."

علی افشاری علت افزایش فشارها بر بهائیان از زمان به قدرت رسیدن محمود احمدی نژاد را نگرانی هیات حاکمه از "کاهش نرخ رشد شیعه" در کشور و افزایش گرایش جوانان به گرایش های عرفانی، بهائیت و مسیحیت می داند.

او می گوید: "مبنای ایدئولوژی این حکومت بر اساس یک تلقی خاص از فقه شیعه است و هر نوع افزایش دیگر افشار مذهبی در جامعه را یک تهدید امنیتی و خطری برای بقای خودش در نظر می گیرد."

منتقدان جمهوری اسلامی می گویند که در چارچوب این دیدگاه امنیتی است که طی هفته ها و ماه های گذشته نمازخانه اهل سنت در تهران پلمپ، حسینیه در اویش گنابادی در شهرهای مختلف تخریب، فعالان مسیحی "تبشیری" در پایتخت ایران دستگیر و منازل حدود ۵۰ بهائی روستای ایول در مازندران تخریب و زمین های آنان مصادره شده است.

الحان طائفی، فرزند فریبا کمال آبادی در گفتگو با کمیته گزارشگران حقوق بشر:

«روابط دوستانه و محبت آمیز با زندانیان را به تبلیغ دیانت بهایی تعبیر کرده اند»

کمیته گزارشگران حقوق بشر - بنا بر گزارش منابع آگاه هفت مدیر زندانی بهائی در زندان رجایی شهر به بندهایی با شرایط سخت تر در زندان گوهردشت کرج منتقل شده اند.



در همین رابطه جامعه جهانی بهایی با انتشار بیانیه ای نسبت به وضعیت دو زندانی زن بهایی ابراز نگرانی کرده است این بیانیه می افزاید: تا کنون یکی از این خانمها، فریبا کمال آبادی، از زمانی که به بند معروف «۲۰۰» در زندان گوهردشت فرستاده شده، مورد تهدید بدنی زندانیان دیگر قرار گرفته است.

بانی دوگال، نماینده ارشد جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل، گفته است: «ظاهراً فضای این بند به شدت ملتهب است و تنش و دشمنی زیادی بین زندانیان وجود دارد.» وی همچنین با ابراز نگرانی از این انتقال، آن را طرحی برای ایجاد محیطی نا امن و تهدید جان یا آسایش جسمی این دو زن دانسته است.

این در حالی است که نگهداری این افراد در کنار زندانیان با اتهام های قتل و مواد مخدر مغایر با اصل تفکیک جرایم زندان ها است.

هفت مدیر جامعه بهایی در ایران از تاریخ ۲۵ اردیبهشت سال ۸۷ در جریان حمله‌ی همزمان نیروهای امنیتی به منازلشان در بازداشت به سر می‌برند و نفر هفتم، خانم مهوش ثابت پیش از ایشان و در تاریخ ۱۵ اسفند سال ۱۳۸۶ در مشهد به بازداشت شد.

این هفت شهروند بهایی هریک ابتدا به ۲۰ سال زندان محکوم شدند ولی پس از آن به طور شفاهی به آن‌ها اعلام شد که مدت حبس آن‌ها از بیست سال به ده سال کاهش یافته‌است.

در همین رابطه برای اطلاع از آخرین وضعیت فریبا کمال‌آبادی و مهوش ثابت با خانم الحان طائفی، فرزند فریبا کمال‌آبادی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم:

چه اطلاعاتی از آخرین وضعیت خانم کمال‌آبادی دارید؟

ایشان روز پنجشنبه گذشته به همراه خانم مهوش ثابت و یکی دیگر از زندانیان، به بند ۲۰۰ منتقل شدند. این بند محلی است که متهمین به قتل و جرائمی از این دست در آن نگهداری می‌شوند و بدین شکل سلامت و امنیت این افراد در معرض خطر جدی قرار دارد. کما اینکه خانم کمال‌آبادی در این بند جدید، در همین مدت محدود، توسط دیگر زندانیان مورد تهدید قرار گرفته‌اند. همچنین پیش از انتقال آنها، هم در بند جدید و هم در بند قبلی از بلندگوهای زندان اعلام شد که زندانیان اجازه ندارند با این افراد معاشرت کنند.

چرا مسئولین زندان چنین برخوردی با این دو زندانی بهایی انجام می‌دهند؟

علت این انتقال از طرف مسئولین زندان، تبلیغ دیانت بهایی توسط خانم کمال‌آبادی و خانم ثابت عنوان شده است. در حالی که خانم کمال‌آبادی این مسأله را رد کرده و بیان کرده‌اند که قوانین زندان را کاملاً رعایت کرده‌اند و گفته‌اند که زمانی که از مسئولین زندان توضیح خواستند که شما چه عملی از جانب ما را به تبلیغ کردن تعبیر کرده‌اید به روابط دوستانه و محبت آمیز آنها با دیگر زندانیان اشاره شد.

خانم کمال‌آبادی و خانم ثابت حدود ۶ ماه است که به زندان رجایی شهر کرج منتقل شده‌اند و در همین مدت کوتاه با رفتار، منش و محبت خود نسبت به سایر زندانیان، مورد توجه و عطف آنها واقع شده‌اند؛ به گونه‌ای که پس از انتقال آنها، با وجود ممانعت مسئولین زندان، همبندی‌های سابقشان سعی کردند به سمت بندی که خانم کمال‌آبادی و ثابت در آن بودند بروند و آنها را ملاقات کنند.

گرچه ممکن بود این اقدام زندانیان، تخطی از قوانین قلمداد شود و برایشان مشکل‌ساز شود. به نظر می‌رسد مسئولین زندان از تأثیرگذاری آنها بر دیگر زندانیان بیمناکنند و در صددند که این تأثیر و نفوذ را به هر طریقی از بین ببرند. همچنین به نظر می‌رسد که مسئولین قصد دارند به هر طریقی شرایط زندگی را برای آنها سخت‌تر کنند و به انحاء و بهانه‌های مختلف در این راستا می‌کوشند.

خانم کمال‌آبادی آخرین بار کی با شما تماس گرفته‌اند؟

بعد از انتقال به بند جدید، مادرم دو بار با من تماس گرفتند. در تماس اول قید کردند که هر روز با حداقل یکی از اعضای خانواده تماس خواهند گرفت، و اگر روزی خبری از ایشان نشد

باید پیگیر احوال ایشان شویم، چون تحت آن شرایط هر اتفاقی ممکن است برایشان بیفتد. لذا من هر روز با اعضای خانواده ام در ایران تماس می گیرم تا از سلامت مادرم مطمئن شوم.

نقل از سایت خبری کمیته گزارشگران حقوق بشر - ۲۷ بهمن ۱۳۸۹

با ما مسلمانی کنید!

در پی انتقال طره تقی زاده، شهروند بهایی به زندان کجویی ساری همسر وی در نامه‌ای خطاب به قوه قضاییه خواستار تجدید نظر در حکم وی شد.

طره تقی زاده (سنایی) طی هجوم نیروهای امنیتی ساری به منزلش در ۲۷ بهمن ماه ۸۷ دستگیر و در ۱۰ اسفندماه همان سال به قید وثیقه به طور موقت آزاد شد. دادگاه وی در شهرستان ساری برگزار شد. در این دادگاه به اتهام «تبلیغ علیه نظام از طریق تبلیغ بهائیت» به ۲۲ ماه حبس تعزیری محکوم شد که این حکم به تأیید دادگاه تجدید نظر نیز رسید. دوران حبس تقی زاده از روز شنبه ۱۸ دی ماه ۸۹ و در پی احضار وی به دایره اجرای احکام آغاز شده است.

نامه‌های سرگشاده حضور ریاست محترم قوه قضاییه



نامه دوم که در ۲۶ بهمن در سایت کمیته گزارشگران حقوق بشر منتشر گردیده است

حافظ وظیفه تو دعا گفتنت و بس

در بند آن مباش که نشنید یا شنید

با احترام قبل از هر چیز لازم می‌دانم که در دومین نامه شکوائیه، فزازهائی از بیانات و خطابات حضرت علی (ع) را که معیار و میزانی برای قضاوت و نوع رفتار قضات و حاکمان مسلمان در ارتباط با غیر مسلمین (اعم از اهل کتاب، کفار و غیره) می‌باشد ذکر نموده و عرض نمایم که تنها سخن و خواسته ما از شما و دیگر مسئولین محترم جمهوری اسلامی اینست که بگوییم "با ما مسلمانی کنید"، زیرا ما فراتر از آنچه در قرآن کریم و بیانات ائمه اطهار در حق غیر مسلمین غیر حربی آمده، نمی‌خواهیم.

لذا دعوت می‌شود دقایقی فارغ از دنیا و مافیها بیانات انسان دوستانه حضرت علی (ع) که قطعاً نزد شما از هر مفسری آگاه تر و از هر میثی داناتر است توجه نموده، گوش جان بسپاریم.

آن حضرت در نامه مشهور خویش خطاب به مالک اشتر (حاکم مصر) می‌فرمایند: " (ای مالک) " خداوند متعال، آفریدگار همگانست. این طبقات مختلف را خود آفریده و زمام مقدرات و حیاتشان را تنها به دست قدرت خویش گرفته است. پروردگار با یک نظر در همه می‌نگرد... از همین است که ملت مصر (اعم از مسلم و غیر مسلم) بر درگاه فرمانداری،



مساوی و در برابر قرآن
برابرند و هر یک به نوبه
خود بر گردن تو که در رأس
ملت قرار داری، حقی ویژه و
ثابت دارند. " (۱)

و نیز خطاب به یکی از
خلفای راشدین فرمودند :
"کوچکترین آزاری که از
دست عمال تو در زوایای
کشور بر دیگران وارد آید،
نخستین گناه آن را بر تو
نویسند. " (۲)

تا آنجا که آنحضرت وجود خویش را نیز مستثنی ندانسته و به صراحت می‌فرماید : " مرا به
روز قیامت از تمام کسانی که تحت حکومت من زندگی کردند، خواهند پرسید. " (۳)

مطالعه و تفکر درباره این بیانات عالییه که کل ، حاکی از بیان کرامت انسانی و نگاه لطف و
مرحمت به همه اقشار ملت از هر دین و مذهبی می‌باشد این سوال را در ذهن آدمی مطرح
می‌کند که با اینهمه توصیه های صریح و آشکار ، دیگر چه عواملی ممکن است موجب شود،
که بهائیان (آن گونه که در نامه اول به شمه ای از آن اشاره گردید) این همه مورد آزار و
اذیت و توهین و تحقیر قرار گرفته و سرانجام روانه حبس و زندان شوند؟! که البته آندسته از
مسلمینی که آزار بهاییان را وظیفه شرعی خویش می‌دانند، مهمترین دلیشان اتهام ناروای
جاسوسی به بهاییان است که پر واضح است، حتی اگر یک دلیل منطقی و قانونی در دست
داشتند، یاران عزیز ایران که مسئولیت سرپرستی جامعه بهاییان ایران را برعهده داشتند از
این اتهام تبرئه نمی‌شدند. این سخن بگذار تا وقت دگر.

و اما هدف از نگارش نامه دوم :

۱. پاسخ به سوالی که در پایان نامه اول مطرح شده بود: همانطور که مستحضرید صحبت ما
در نامه اول به آنجا رسید که عرض شد وقتی ما بهائیان ایران به منظور دادخواهی، نزد
مسئولین مافوق رفته و طرح شکایت می‌نمائیم معمولاً با دو نوع واکنش و عکس‌العمل مواجه
می‌شویم:

واکنش گروه اول: بعضی از این دوستان که الحمدلله تعدادشان بسیار اندک است، وقتی متوجه
می‌شوند که ما جزو اقلیتهای دینی آنها منسوب به آئین بهائی می‌باشیم معمولاً اجازه ادامه
صحبت به ما نداده و با عصبانیت می‌گویند: حالا کارتان به جایی رسیده که مسائل قانونی و
شرعی را به ما - که چنین و چنانیم - گوشزد می‌کنید؟! و معمولاً چنان رفتار می‌کنند که
گویی در مقام معصومیت بوده و در محضرشان اشتباه و خطا را راهی نیست و نیز گمان
می‌کنند که همهی سختگیری‌ها و فشارهای وارده بر بهائیان از جانب زیر دستانشان ، مو به مو
، نشأت گرفته از فرامین خدا و آیات منزله در قرآن کریم است.

لذا از همین جا خدمت این گروه از مسئولین محترم چه در دوایر اطلاعاتی و چه در امور
قضائی که برای خود نوعی قداست و معصومیت تصور نموده و تمام تضییقات اعمال شده بر

بهائیان را صواب و مورد رضای خدا و پیامبر (ص) می‌دانند عرض می‌کنم که حتی مرجع معصوم مسلمین یعنی حضرت علی (ع) با آن همه فضائل و خصائل نیکو ، نیز چنین تصویری در رابطه با نفس خویش نداشته و به صراحت می‌فرمایند : " اگر اشتباهی در کارهایم باز جستید، بی درنگ آن را به من باز گوید. من اگر از شنیدن نصیحت راجع به عدالت بیزار باشم، حتماً از عمل و ایفای آن بیزارتر خواهم بود ... هرگز فراموش نکنید که من و شما و همه کائنات، بندگان ضعیف خداوندیم، و تنها کسی که سزاوار ستایش و تقدیس است، پروردگار توانا و مهربان می‌باشد." (۴)

واکنش گروه دوم: بعضی از مسئولین محترم در قبال تظلم و دادخواهی بهائیان در ارتباط با فشارهای اعمال شده ، آنگاه که متوجه رفتار غیرقانونی و غیر شرعی خویش می‌شوند ، اشتباهات خود را به گردن دیگران انداخته و به صراحت می‌گویند: "ما مأمور هستیم و معذور". در این مورد باید عرض کنم که اطاعت از مافوق با همه محاسن و خوبی‌هایی که دارد ولی حائز یک شرط مهم و عمده می‌باشد که قبل از این که به ذکر آن از کتب و آثار اسلامی اقدام نمایم لازم می‌دانم که ۳۲ سال به عقب برگشته و فرمانی را که از جانب امام خمینی خطاب به قضات محاکم اسلامی که در آن زمان، مشغول محاکمه سران شاه و بزرگان نظام شاهنشاهی بودند صادر گردید به این دوستان یاد آوری نمایم.

قضیه از این قرار بود که روزی (در همان ماههای اول انقلاب) از طریق تلویزیون اعلام نمودند که سران شاه را در فلان روز محاکمه خواهند نمود. ما نیز در آن روز همچون دیگر هموطنان عزیزمان ، مشغول مشاهده محاکمه گروه نامبرده از تلویزیون ایران بودیم و مطمئناً همه دوستانی که سنی از آنها گذشته است به خاطر دارند که قضات محترم پس از ذکر اعمال ظالمانه متهمین ، از آنها می‌خواستند در مقابل اتهامات وارده اگر دفاعی دارند انجام دهند.

تا آنجا که خاطر هست همه آنها یک حرف را تکرار نموده و می‌گفتند ما در یک سیستم قرار داشتیم و از مافوق خود اطاعت می‌نمودیم و به صراحت می‌گفتند که: "ما مأمور بودیم و معذور". ولی قضات محترم از قول امام خمینی اظهار می‌داشتند که : " مسلمانان هم مأمورند و هم مسئول." بنده در توضیح این مطلب لازم می‌دانم که در این مورد به قسمتی از توصیه های حضرت علی (ع) که در نامه مالک اشتر آمده است اشاره نمایم. آنجا که به وضوح خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: " هرگز مگو که من مأمورم و معذور ، هرگز مگو که به من دستور داده اند و باید کورکورانه اطاعت کنم . (و نیز) هرگز طمع مدار که ترا کورکورانه اطاعت کنند." (۵)

و در مقامی دیگر می‌فرمایند: " هر آن امری که از مافوق می‌شنوی ، با امرخداي بسنج ، چنانچه خداوند ترا از آن عمل نهی می‌کند ، زنهار فرمان خالق را در راه هوس مخلوق ، قربان مکن." (۶) و در پایان نامه خویش نیز به علت اهمیت موضوع ، مجدداً مالک را مخاطب ساخته و می‌فرمایند : " اکنون نوبت توست که حکم ما را بدست گیری و با رعایت آیات مقدس قرآن ، به حل و عقد امور کشور مصر پردازی . " (۷)

آری این است معیارهای حقیقی تعالیم اسلام در ارتباط با قضاوت و داوری در حق عامه ناس که اگر چه همه مسئولین محترم با این کلمات عالی‌ه که اساس جمیع ادیان است آشنایی کامل دارند، ولی به فرموده پیامبر اکرم (ص) در نهج الفصاحه : " لا یقبل ایمان بلا عمل " (۹) یعنی ایمان بدون عمل پذیرفته نیست.

۲. همانطور که مستحضرید در نامه اول به یکی از موارد نقض قانون، یعنی هتک حرمت و توهین و تحقیر مان که از جانب بعضی مسئولین محترم اعمال شده و می‌شود، با آنجناب سخن گفته و تقاضای بررسی و رسیدگی عاجل نموده‌ام. زیرا در این مورد و نیز در ارتباط با دیگر اتهامات ناروایی که به همسر (و بعضی دیگر از بهائیان این سامان) وارد نموده‌اند، در مراجع و مجامع قانونی استان مازندران بارها و بارها دادخواهی و تظلم نموده و تقاضای رسیدگی به این امور در یک دادگاه علنی و صالح نموده‌ایم. ولیکن نه تنها اقدامی در رفع این مظالم به عمل نیامده است بلکه همانطوری که قطعاً استحضار دارید چندی قبل (یعنی در تیرماه ۱۳۸۹) گروهی از اشخاص معلوم الحال، با جسارت تمام کار را به جایی رساندند که بی‌مهابا اقدام به تخریب و سوزاندن پنجاه خانه مسکونی ما بهائیان در روستای ایول (واقع در جنوب ساری) نموده‌اند. ولی آنچه بیش از هر چیز مایه تأسف و تأثر ما و نیز مسلمانان آگاه و مؤمن در این دیار شده است آنکه، این افراد مخرب، اعمال و رفتار غیر قانونی و شرارت بار خویش را که تا بی‌نهایت، خلاف کرامت انسانی و تعالیم اسلامی می‌باشد به اسلام و تعلیمات دینی خویش نسبت داده و چنین تصور می‌کنند که از طریق آزار و اذیت بهائیان می‌توانند خیر دنیا و آخرت را نصیب خویش نمایند.

زیرا به آنها چنین إلقاء شده و می‌شود که بهائیان افرادی کافر، بی‌دین، ضالّه، نجس و نیز جاسوس آمریکا و اسرائیل هستند. لهذا سرپرستان و محرکین این گروهها با انتشار اینگونه اکاذیب و افتراءات از ابتدای ظهور این آئین تا کنون، گاه با تحریک بعضی از مسلمین ناآگاه و ساده لوح و هم‌اکنون نیز با تجهیز گروهی از مأمورین اطلاعات (در بعضی از شهرهای ایران) به هر نوع ممکن به جان بهائیان افتاده و به آزار این شهروندان و هموطنان صدیق و امین و بی‌آزار خویش مبادرت می‌نمایند.

و آنچه که بر حیرت و تعجب هر انسان منصف و آگاه می‌افزاید این است که این همه ظلم و ستم در مملکتی اتفاق می‌افتد که رئیس جمهور محترم آن از طریق یک تریبون آزاد جهانی (سازمان ملل متحد) به همه مردم دنیا اعلام می‌دارد که آزادی، در ایران در حد مطلق است. آیا مردم جهان از این بیان رئیس محترم جمهور، اینطور استنباط نمی‌کنند که مقصود، آزادی همه ملت ایران در بیان عقایدشان می‌باشد؟ چگونه می‌توان این دعوی را تفسیر و درک نمود، در حالیکه از جمله اتهامات همسر تعالیم فضائل اخلاقی به کودکان بهایی در کلاس‌های درس اخلاق بیان گردیده است؟ در چنین شرایطی چگونه می‌توان سخن از آزادی بیان به میان آورد؟

و نیز باید به این نکته مهم اشاره نمایم، بسیاری از اندیشمندان و طبقات روشنفکر جامعه اسلامی و نیز شخصیتی همچون استاد شهید، "مرتضی مطهری" که امام خمینی ایشان را اسلام‌شناسی کم‌نظیر معرفی فرموده‌اند در اکثر کتب و آثارش اعلام داشتند که مقصود از آزادی، آزادی مخالفین است، وگرنه شکی نیست که آزاد بودن موافقین از بدیهیات بوده و نیازی به بیان و ادعا نداشته و ندارد! که انشاءالله در این باره در ارتباط با رد یکی از اتهامات همسر مبنی بر "تبلیغ علیه نظام"، مفصلاً گفتگو خواهم نمود تا معلوم شود که اسلام بر خلاف نظر مخالفین و نیز بعضی مسلمین ناآگاه، طرفدار آزادی بیان و دین و عقیده بوده و هرگز دستوری مبنی بر اذیت و آزار غیر مسلمینی که به جنگ با مسلمین اقدام نکرده‌اند نداده است. چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: "کسی که با شمشیر با تو مبارزه می‌کند با شمشیر مبارزه کن و کسیکه با منطق با تو مبارزه می‌کند با منطق مبارزه کن." (۱۰)

حال از آنجا که سالهاست بعضی از مسئولین محترم قضائی و اطلاعاتی به جای منطق ، با شمشیرِ تهمت و افتراء در اکثر نقاط کشور ، به بهائیان حمله ور شده و همراه با بازداشتها و زندانیهای بدون دلیل و نیز با تعطیل تشکیلاتِ بهائی ، در صددِ ضربه زدن به جامعهٔ بهائیان ایران (از جهتِ فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی) می‌باشند. لهذا در این نامه نیز از شما به عنوانِ عالیترین مرجع قضائی، جهت رفع این مظالم ، تقاضای رسیدگی و بررسی مینمائیم . شکی نیست که در صورتِ عدم اخذ نتیجه ، باقی را به خدا سپرده و یقین داریم که به فرموده حضرت علی علیه السلام : خداوند را گوشی شنواست که گفتار بندگان خویش ، همی‌شنود و به دادِ دادخواهان رسیدگی و توجه همی‌فرماید.

و چه خوش گفت خواجه شیراز : تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار / که رحم اگر نکند مدعی، خدا بکند

اگر چه ممکن است این سخنان برای آن گروه از مأمورین و مسئولین محترم که آزارِ بهائیان را حقّ شرعی و قانونی خویش می‌پندارند گران باشد ، ولی اینها حقایق مسلمی است که دیر یا زود آشکار خواهد شد و هیچ فرد مؤمن حقیقی در آن شک و تردیدی نداشته و نخواهد داشت.

ادامه دارد.

پانویس: شماره‌های ۱ تا ۸ و ۱۰ نقل از کتاب سخنان علی (ع) از نهج البلاغه ، ترجمه جواد فاضل، چاپ بیستم. شماره‌ی ۹ نقل از کتاب نهج الفصاحه ، ترجمه ابوالقاسم پاینده

" علورفتار و سموکردار و تمسک شدید بحبل عدالت الهیه مقدس از تأثیر و نفوذ عوامل مخربه که خود از مقتضیات حیات پرمفست سیاسی محسوب همچنین حسن نیت و خلوص طویت و تقدیس و تنزیه منزله از افعال سخیفه رذیله و شئون و موازین غیر مرضیه که اصول منحط و سافل عصر حاضر آنرا تأیید بل تقویت و تشدید مینماید و بالاخره اخوت و محبت خالصه عمومیه فارغ از تعصبات جنسیه و حمیات جاهلانه که چون سرطان انساج حیات ناتوان جامعه بشریه راضعیف و افسرده نموده ... "

حضرت ولی امرالله ظهور عدل الهی ص ۵۰

گزارش تصویری از تجمع اعتراضی به حکم نوید خانجانی - واشنگتن



جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی - در روز ۶ ژانویه ۲۰۱۱ جمعی از هموطنان ایرانی و فعالین حقوق بشر در مقابل دفتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی در شهر واشنگتن دی سی جهت

اعتراض به حکم ۱۲ سال زندان نوید خانجانی گرد هم آمده و حمایت خود را از این فعال حقوق بشر و دیگر دانشجویان زندانی و فعالین حقوق بشر اعلام داشتند.

در این گردهمایی که در ساعت ۲ بعد از ظهر امروز توسط جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی تشکیل شده بود، از طرف گروه های متخلف حقوق بشری از جمله سازمان دیده بان حقوق بشر، کمیته گزارشگران حقوق بشر، عفو بین الملل (Amnesty International)،



بنیاد برومند، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، گروه اتحاد برای ایران (For United Iran) و کمیته همبستگی با خواسته های ایرانیان حمایت شد.

در ابتدا کیانوش سنجری ضمن اعلام

حمایت از نوید خانجانی دانشجوی محروم از تحصیل، عضو جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی و کمیته گزارشگران حقوق بشر، به حکم حبس سنگین وی اعتراض نمود. وی در ادامه علت این حکم سنگین را تلاش نوید خانجانی برای احقاق حقوق از دست رفته ی تحصیل دانشجویان بهایی و غیر بهایی دانست.

آقای آرام حسامی، استاد علوم سیاسی دانشگاه مونتگامری مریلند، در اعتراض به ۱۲ سال حبس تعزیری نوید خانجانی گفت:

«روندی که اکنون ملاحظه می کنید ماحصل انقلابی است که حرف اول و آخر آن آزادی بود. زندان های وطن امروز مملو از آزاد اندیشانی است که تنها جرمشان چراجویی از بین رفتن حقوق بشر است.»



پرسشی که با سوال های متفاوت اما

مضامین یکسان پرسیده می شود: چرا از حق تحصیل محروم می شویم، چرا در مکالمات خود آزاد نیستیم، چرا مصاحبه ممنوع است و به خاطر این پرسش ها متحمل هزینه های سنگینی می شوئند. زندان، شکنجه، تجاوز، اعدام و حتی قتل هزینه هایی است که دانشجویان و مردم تنها به خاطر این پرسش می پردازند»

او در ادامه مطالبش به وظیفه ی شهروندان در تبعید اشاره کرد و گفت: «امروز این وظیفه ی ماست که صدای آزادی خواهی مردم ایران را به گوش جهانیان برسانیم.»

همچنین گوشزد کرد که نباید بگذاریم مسائل حقوق بشری تحت الشعاع مسائل اقتصادی و نظامی قرار بگیرد. اگر حکومت ایران به نوعی این حقوق را پایمال می کند، این بر عهده ی شهروندان در تبعید است که نگذارند سازمان ملل و دیگر کشورها این حقوق را نادیده بگیرند.

دکتر کاویان میلانی به عنوان سخنران بعدی در اعتراض به نقض حق تحصیل در ایران گفت: «همه ی ما، بشر و انسان هستیم و این عاری از بهایی، مسلمان، مسیحی، کلیمی و زرتشتی بودن ماست. حق تحصیل، از طبیعی ترین حقوق بشر و پدیده ای جهان شمول است. همه ی ایرانی ها به واسطه ی بشر و انسان بودن باید به طور مساوی از این حق بهره مند شوند. ما امروز به عنوان ایرانی، به عنوان انسان، به عنوان جزئی از خانواده بشری در اینجا جمع شدیم که به این ستم جواب بدهیم. هیچ قدرتی برای آپارتاید قومی، مذهبی و دینی حق ندارد حقوق انسان دیگری را زیر پا بگذارد و او را از حق مسلم خود محروم کند.»

دکتر میلانی ضمن اعتراض به حکم سنگین نوید خانجانی و نامتعارف خواندن این حکم گفت: اگر فعالین حقوق بشر ۱ ساعت در زندان باشند، در حق آنها اجحاف شده است، اما این ۱۲ سال فقط بیانگر ناراضی بودن حکومت ایران از حضور فعالین اجتماعی در فضای همگانی است.

تجمع اعتراضی مشابهی به حکم ۱۲ سال حبس برای نوید خانجانی در برلین نیز در تاریخ یکشنبه ۱۷ بهمن ماه برگزار شد.



" اصل وحدت عالم انسانی
که محور جمیع تعالیم
حضرت بهاءالله است
...پیامش فقط متوجه افراد
نیست ، بلکه به روابط
ضروریه ای نیز مربوط می
شود که ممالک و ملل را به
هم پیوند می دهد و عضو
یک خانواده بشری می
نماید... " نظم جهانی بهائی ص ۵۹

چند خبر کوتاه از ایران:

نقل از سایت سرویس خبری جامعه بهائی ۱۷- ۲۶ بهمن ۱۳۸۹

ارومیه: دستگیری آقایان فرهود اقدسی و چنگیز درگاهی

در ۱۰ بهمن ۱۳۸۹، آقایان فرهود اقدسی و چنگیز درگاهی هر دو اهل ارومیه احضار و دستگیر شدند.

قائم شهر: دستگیری شاهین سنائی

در ۱۶ بهمن ۱۳۸۹، آقای شاهین سنائی اهل قائم شهر دستگیر شد.

بجنورد: جریمه نقدی آقای هوشمند سنائی

آقای هوشمند سنائی اهل بجنورد اخیراً توسط دادگاهی در بجنورد به پرداخت ۳۰۰۰۰۰ تومان جریمه نقدی (حدود ۳۰۰ دلار آمریکا) محکوم شده است.

مشهد: دستگیری آقای مجید مجیدی

آقای مجید مجیدی اهل مشهد اخیراً دستگیر شده است.

اصفهان: زندانی شدن آقایان احسان الله اشتیاق و سروش پزشکی، افزایش حکم تعلیقی آقای عنایت الله نعیمی

در ۹ بهمن ۱۳۸۹، آقایان احسان الله اشتیاق و سروش پزشکی، هر دو اهل اصفهان، زندانی شدند تا دوران یک ساله محکومیت خود را آغاز کنند. تعلیق ۵ ساله حکم یک سال زندان یکی دیگر از بهائیان اصفهان، آقای عنایت الله نعیمی، به ۷ سال تعلیق افزایش یافته است. این سه نفر در ۱۶ بهمن ۱۳۸۴ دستگیر و در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۵ با قرار وثیقه آزاد شده بودند. دادگاه آنها در ۶ آذر ۱۳۸۵ برگزار شد و هر کدام به یک سال زندان تعلیقی محکوم شدند. آنها در آبان ۱۳۸۹ برای شروع دوران محکومیت خود احضار شدند.

قائم شهر: آزادی خانم فیروزه یگان (اسدی)

در ۱۴ بهمن ۱۳۸۹، خانم فیروزه یگان (اسدی) اهل قائم شهر، پس از گذراندن محکومیت ۶ ماهه زندان خود آزاد شد. خانم یگان در ۲۹ دی ۱۳۸۷ دستگیر، در ۱۵ بهمن ۱۳۸۷ (۳ فوریه ۲۰۰۹) آزاد و دوباره در ۱۷ شهریور ۱۳۸۹ برای شروع دوران محکومیت خود زندانی شده بود.

قائم شهر: بازرسی محل سکونت آقای چنگیز درخشانیان و ضبط وسایل

اخيراً محل سکونت آقای چنگیز درخشانیان اهل قائم شهر بازرسی و برخی اشیای گران قیمت ضبط شد. در ۳۰ آذر ۱۳۸۹ نیز محل سکونت او به دست مأموران وزارت اطلاعات بازرسی و کتب بهائی اش ضبط و خود او به دفتر محلی وزارت اطلاعات احضار شده بود.

سمنان: احضار و بازجویی آقای عادل فنائیان

اخيراً، آقای عادل فنائیان اهل سمنان، که در ۲۳ آبان ۱۳۸۹ دستگیر و در ۷ آذر ۱۳۸۹ با قرار وثیقه آزاد شده بود، به دفتر دادگستری احضار، بازجویی و پس از آن مرخص شد.

تهران: صدور حکم برای آقای نیما حقار

دادگاه آقای نیما حقار اهل تهران اخیراً برگزار شد و او را به پنج سال زندان محکوم کرد. آقای حقار در ۱۳ بهمن ۱۳۸۷ دستگیر و در زندان اوین زندانی و سپس در ۲۱ اسفند ۱۳۸۷ با قرار وثیقه آزاد شده بود. محل سکونت او یکی از دوازده خانه ای بود که در ۲۵ دی ۱۳۸۷ در تهران بازرسی شد.

اصفهان: صدور حکم و جریمه نقدی برای آقای نوید خانجانی

دادگاه آقای نوید خانجانی اهل اصفهان اخیراً برگزار شد و در ۱۰ بهمن ۱۳۸۹ وکلای او رأی دادگاه را مبنی بر محکومیت آقای خانجانی به ۱۲ سال زندان - پنج سال برای «شرکت در فعالیت های حقوق بشری»، پنج سال برای «تشکیل گروه غیر قانونی برای محرومین از تحصیل» (در حمایت از دانشجویان محروم از تحصیلات عالی) و دو سال برای «تشویش اذهان عمومی» - دریافت کردند. او همچنین باید جریمه ای به مبلغ پانصد هزار تومان (حدود ۵۰۰ دلار آمریکا) بپردازد. وکلا در صدد تقاضای تجدید نظر علیه رأی صادره هستند. آقای خانجانی در ۱۱ اسفند ۱۳۸۸ دستگیر و در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ با قرار وثیقه آزاد شد.

ساری: دستگیری آقای فیض الله روشن

در ۲۵ دی ۱۳۸۹، آقای فیض الله روشن اهل ساری دستگیر و به زندان منتقل شد. آقای روشن در سال ۱۳۸۵ پس از بازرسی خانه اش، به مدت دو ماه بازداشت بود. او بعداً در دو زمان مختلف زندانی شد و سرانجام در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ پس از گذراندن مجموع یک سال در بازداشت آزاد شد. او چند ماه را نیز در شهر دامغان استان سمنان در تبعید به سر برده بود. محل سکونت او دوباره در ۱۹ مرداد ۱۳۸۹ به دست مأموران وزارت اطلاعات بازرسی شده بود که مأموران تمام مطالب مربوط به آئین بهائی و وسایل شخصی او را ضبط کردند.

رفسنجان: در ادامه حملات آتش سوزی

درباره حملات آتش سوزی اخیر در رفسنجان، در ۲۴ دی ۱۳۸۹ خبرنامه ای محلی به نام «خط سبز مهدوی» در جلسه نماز جمعه در رفسنجان پخش شد که در آن

سرمقاله ای با عنوان «مظلوم نمایی گسترده بهائیان در رفسنجان» منتشر شده بود. در مقاله اشاره شده است که حضور بهائیان میان مسلمانان تنها در صورتی محترم شمرده و زندگی و اموال آنها حفظ خواهد شد که دین خود را تبلیغ نکنند، در غیر این صورت آنها سرانجام در شهر رفسنجان ریشه کن خواهند شد. این خبرنامه محلی توسط بنیاد فرهنگی حضرت مهدی منتشر می شود و زیر نظر نهاد نماز جمعه شهر رفسنجان به چاپ می رسد. این خبرنامه محلی پیشتر بخشی را به فعالیت های اقتصادی بهائیان در رفسنجان اختصاص داده بود.

بهائیان رفسنجان از مقامات محلی، استانی و کشوری تقاضای دادرسی کرده اند، اما هنوز نتیجه ای نگرفته اند. امام جمعه رفسنجان به بهائیان گفته است که مسئولیت خبرنامه محلی «خط سبز مهدوی» را بر عهده می گیرد، ولی از حملات آتش سوزی حمایت نمی کند. او گفته است که از نظر شرعی مسئول شهر رفسنجان است و فتوایی صادر کرده که می گوید بهائیان نجس هستند و معامله با آنها، به ویژه در زمینه تعمیر لوازم خانگی، جایز نیست.

ما که دادیم دل و دیده فدای ابهی

گو بیا سیل و غم و خانه ز بنیاد ببر